

مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره دوم - تابستان 1392 - صص 42-19

بررسی ضرورت اعتبارسنجی مشتریان از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و

ارائه الگوی بهینه

دکتر علی محمدی آشنانی¹
1391/3/18
احمد رضا رضی²
تاریخ پذیرش: 1391/3/30
دریافت: تاریخ

چکیده

بانکداری، از ارکان مهم یک نظام اقتصادی بشمار می‌رود. بانک‌ها بدان رو که با سرمایه و اموال گروهی از مردم تأسیس و اداره می‌شوند به نوعی مصداق بیت‌المال مسلمین به شمار می‌آیند. صیانت و حفاظت از سرمایه‌های مردم جهت پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی و اجرای عدالت، عقلاً و شرعاً لازم و واجب خواهد بود. در چنین شرایطی مدیریت ریسک به یکی از اجزای حیاتی فعالیت‌های مالی و اعتباری مبدل خواهد شد. در بین انواع ریسک‌هایی که بانک‌ها و نهادهای مالی با آن مواجه‌اند، ریسک اعتباری اهمیت به‌سزایی دارد. کمی‌سازی و اندازه‌گیری ریسک اعتباری به منظور مدیریت مناسب آن، اعتبارسنجی مشتریان را قبل از اعطای تسهیلات به امری ضروری مبدل کرده است. در قرآن کریم آیات مختلفی در خصوص آداب و احکام کسب و کار و حواشی مربوط به آن مطرح گردیده است اما قطعاً فرمول علمی در این خصوص مطرح نشده است چون قرآن کتاب هدایت است و نه صرفاً یک کتاب علمی. در این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل توصیفی سعی می‌شود تا با استفاده از مستندات مستخرج از قرآن، روایات و مبادی فقهی، به بررسی ضرورت اعتبارسنجی مشتریان در هنگام اعطای تسهیلات، و ارائه الگویی مناسب برای آن پرداخته شود. در نهایت الگویی با عنوان "مدل قرآن" که بیانگر معیارهای برگرفته از آیات و روایات است، جهت اعتبارسنجی مشتریان ارائه شده است. این الگو شامل شاخص‌هایی چون منفعت و سودآوری، وثیقه، لیاقت و صلاحیت عملی، قرارداد، رفتار اعتباری، آگاهی و دانش و نمای آینده می‌باشد.

1. دکترای فقه، مدیر گروه علوم قرآن و تفسیر دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآنی
2. کارشناس ارشد MBA و دانشجوی دکتری مدیریت رسانه‌ای، کارشناس اداره کل مدیریت ریسک بانک مسکن
Rezarazi1362@yahoo.com

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی مشتریان، بانکداری اسلامی، مدیریت ریسک، ریسک اعتباری، قرآن و روایات.

1- مقدمه

امروزه بانکداری، از ارکان مهم یک نظام اقتصادی بشمار می‌رود. بانک‌ها بدان رو که با سرمایه و اموال گروهی از مردم تأسیس و اداره می‌شوند و با مشارکت مالی مردم توسعه می‌یابند به نوعی مصداق بیت‌المال مسلمین به شمار می‌آیند. صیانت و حفاظت از سرمایه‌های مردم، پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی، فقرزدایی از جامعه اسلامی و اجرای عدالت، نه تنها از منظر قرآن و روایات بلکه عقلاً نیز لازم و واجب خواهد بود. در چنین شرایطی مدیریت ریسک به یکی از اجزای حیاتی فعالیت‌های مالی و اعتباری مبدل خواهد شد. در بین انواع ریسک‌هایی که بانک‌ها و نهادهای مالی با آن مواجه‌اند، ریسک اعتباری اهمیت به‌سزایی دارد. ریسک اعتباری یا ریسک نکول، ریسک ناشی از عدم بازپرداخت وام یا بدهی در سررسید مقرر است. کمی‌سازی و اندازه‌گیری ریسک اعتباری به منظور مدیریت مناسب آن، اعتبارسنجی مشتریان را قبل از اعطای تسهیلات به امری ضروری مبدل کرده است. ریسک‌های موجود در بانکداری اسلامی به دلیل وجود محدودیت‌های ذاتی مرتبط با شرع بسی بیشتر و پر اهمیت‌تر از بانکداری متعارف است. لزوم بازنگری در اصول حاکم بر بانکداری متعارف به منظور انطباق با موازین شرعی و اینکه در اعتبارسنجی مشتریان چه فاکتورها و شاخص‌هایی را مورد توجه قرار دهیم، خود موضوع مهمی تلقی می‌گردد. در قرآن کریم آیات مختلفی در خصوص آداب و احکام کسب و کار و حواشی مربوط به آن مطرح گردیده است اما قطعاً فرمول علمی در این خصوص مطرح نشده است چرا که قرآن کتاب هدایت است و نه صرفاً یک کتاب علمی. در این مقاله شاخصه‌های مهم اعتبارسنجی با توجه به آیات و روایات، احصاء گردیده و نهایتاً یک الگو به عنوان یافته این مقاله ارائه می‌گردد. این الگو شامل شاخص‌هایی چون منفعت و سودآوری، وثیقه، لیاقت و صلاحیت عملی، قرارداد، رفتار اعتباری، آگاهی و دانش و نمای آینده می‌باشد.

2- ریسک اعتباری^۱

کلمه ریسک در دیکشنری لانگمن، عبارت از احتمال وقوع چیزی بد یا نامطلوب و یا احتمال وقوع خطر است. در حالت کلی ریسک به مفهوم احتمال بروز زیان ناشی از عدم قطعیت در انجام امور، به دلیل فقدان اطلاعات و شناخت صحیح و همه جانبه از جهان پیرامون

است (Rose, 1999, 170). ریسک اعتباری یکی از مهمترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی است. ریسک اعتباری را تغییر در ارزش به واسطه تغییرهای غیر منتظره در کیفیت اعتباری تعریف کرده‌اند (Duffie, 2003, 3). در تعریف دیگر، ریسک اعتباری به خطری تعبیر شده که بر اساس آن، وام گیرنده به پرداخت اصل و فرع وام یا بدهی خود طبق شرایط مندرج در قرارداد قادر نباشد. به عبارت دیگر مطابق این ریسک، باز پرداخت‌ها یا با تأخیر انجام شده یا اصلاً وصول نمی‌شوند. این امر باعث پدید آمدن مشکلاتی در گردش وجوه نقد بانک می‌شود (پارکر، 1995). اثر ریسک اعتباری از راه محاسبه هزینه جایگزینی جریان‌های نقدی در صورت وقوع نکول طرف مقابل اندازه‌گیری می‌شود (Jorion, 2003, 393). ریسک اعتباری را می‌توان به صورت "رویدادهای غیرمنتظره که معمولاً به صورت تغییر در ارزش دارایی‌ها یا بدهی‌ها رخ می‌دهد" نیز تعریف کرد. این ریسک از آن جهت ناشی می‌شود که دریافت‌کنندگان تسهیلات تمایل یا توانایی بازپرداخت بدهی خود را به بانک نداشته باشند که از آن به عنوان "نکول" یاد می‌شود. ریسک اعتباری از آن جهت در بانک‌ها حایز اهمیت است که منابع به کارگرفته شده برای تخصیص، در حقیقت بدهی نهاد پولی به سهام داران، مردم و بانک‌ها است که در صورت عدم گردش، هم توان اعتباردهی و هم قدرت تادیه بدهی نهاد پولی به عنوان وام دهنده را تضعیف می‌کند. بانک‌ها برای انجام دادن این مهم، ناچار به استقرار یک سیستم کارآمد هستند تا عملیات اعطای تسهیلات در بازارهای رقابتی کنونی، هم از کارایی و سرعت لازم برخوردار باشد و هم احتمال عدم برگشت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده که برای تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری یک اصل بسیار مهم و حیاتی می‌باشد، به حداقل کاهش یابد.

اعتبارسنجی^۲ مشتریان بانک‌ها باعث سهولت در امور بانکی، کاهش ریسک اعتباری، تسهیل در رتبه‌بندی مشتریان و ایجاد بستری برای مبارزه با پولشویی خواهد شد. با وجود بکارگیری فناوری‌های نوین مدیریت اعتباری در دنیا از جمله مدیریت ریسک اعتباری^۳، رتبه‌بندی اعتباری^۴، امتیازدهی اعتباری^۵ و انواع روش‌های اعتبارسنجی، تخصیص اعتبار به متقاضیان تسهیلات، کماکان به روش سنتی، سلیقه‌ای و غیرمتریک اندازه‌گیری می‌شود. در حال حاضر مدل‌ها و روش‌های مختلفی برای اعتبارسنجی مشتریان بانک‌ها وجود دارد که هر یک از آنها مبتنی بر الگوهای خاصی است.

3- پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام

تنها ریسک‌های مفید، مولد و قابل کنترل، ریسک‌هایی هستند که تحمل آن بر اساس آموزه‌های اسلامی بلا اشکال بوده^۶ لذا پذیرش ریسک‌هایی که از چنین مشخصاتی برخوردار نیستند، از دیدگاه آموزه‌های دینی غیر جایز است.^۷ قرآن کریم در چند آیه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر وجود وضعیت عدم اطمینان در کوشش‌ها و تصمیم‌های انسان صحه گذاشته و تصمیم‌گیری وی را در این وضعیت جایز می‌شمرد؛ به طور مثال در آیه‌های سوره نجم می‌خوانیم^۸ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز کوشش وی نیست^۹ و اینکه کوشش وی در آینده دیده می‌شود. آیه دیگری که شاید مقصود ما بیشتر در آن ظهور پیدا می‌کند و چه بسا با مفهوم مالی و سرمایه‌گذاری همگرایی بیش‌تری داشته باشد، آیه 188 سوره اعراف است. خداوند متعال در این آیه به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که "بگو و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم و هیچ بدی و زیانی به من نمی‌رسید"^۹. واژه غیب در این آیه کریمه دلالت بر عدم آگاهی و اطمینان نسبت به وضعیت آینده دارد، به این معنا که هرآنچه از افزایش سودی یا کاهش زیان بیان می‌شود همگی بر اساس پیش‌بینی و پیش‌گویی مبتنی بر معلومات اجمالی تصمیم‌گیرنده است. آیه پیش‌گفته که بیانگر فرضیه عدم اطمینان در حوزه سرمایه‌گذاری است (دنیاء، 2002: 50) به روشنی از وضعیت وجود ریسک در تصمیم‌های مالی و لزوم تصمیم‌گیری در این فضا سخن می‌گوید. گذشته از آیات، در برخی روایات نیز مشاهده می‌کنیم که به مسئله ریسک و اهمیت آن پرداخته شده است. امام رضا (ع) نقل می‌کنند که مردی نزد امام صادق (ع) آمد و به عنوان نصیحت گفت ای ابو عبدالله چرا سرمایه‌هایت را پخش کرده‌ای، اگر آنها را یکجا سرمایه‌گذاری می‌کردی هم کم هزینه‌تر بود و هم سودآورتر. امام فرمود سرمایه‌ها را توزیع کردم تا اگر به یکی آسیبی رسد دیگری از آسیب محفوظ بماند و به این ترتیب، مجموع سرمایه حفظ می‌شود^{۱۰} (کلینی، 1365: 5). حضرت علی (ع) به مالک اشتر چنین می‌فرماید: سپس سفارش مرا درباره بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و درباره آنان به نیکوکاری سفارش کن، چه بازرگانانی که در شهر ساکن هستند یا آنانکه همواره در سیر و کوچ کردن هستند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که منابع اصلی منفعت و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار، بیابان‌ها، دریاها، دشت‌ها و کوهستان‌ها و جاهای سختی که مردم در آن اجتماع

نمی‌کنند یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند، هستند. از مضمون کلام امیرمؤمنان چنین بر می‌آید که چون بازرگانان در راه کسب مال مخاطره‌های فراوانی را به جان می‌خرند، مستحق پاداش هستند که این پاداش در رعایت حال آنان به وسیله حاکم تجلی می‌یابد.

4- شاخص‌های مستخرج از قرآن و روایات

آیه 282 سوره بقره بزرگ‌ترین آیه قرآن در بزرگ‌ترین سوره قرآن است که شامل 172 کلمه و 579 حرف می‌باشد. این آیه مربوط است به انضباط اقتصادی، تنظیم اسناد تجاری، مسئله چک، سفته، حواله، شاهد، کاتب و... عمل به این آیه درصد بالایی از کشمکش‌ها، سوءظن‌ها، مسائل حقوقی و دعاوی و... را مرتفع خواهد ساخت (ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سورآبادی، جلد اول: 245). این آیه نشانه دقت نظر و جامعیت اسلام است که در دوره جاهلیت یکی از دقیق‌ترین مسائل حقوقی را مطرح کرده است.

انعقاد قرارداد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ (بقره-282) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. برابر آرای مفسران نتایج ذیل حاصل می‌شود:¹¹

در داد و ستدهایی که مدت دارد، می‌بایست همه چیز مکتوب گردد. لزوم انعقاد قرارداد مکتوب صراحتاً مورد نظر آیه است. قراردادها که بیانگر روابط حقوقی بین بانک و مشتری می‌باشند، یکی از مهم‌ترین منابع تعهد به شمار می‌روند. جهت و هدف‌غایی قراردادها، ایجاد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد است. چنانچه این قراردادها قوه الزام‌آور نداشته باشند یعنی هیچ قوه مانعی وجود نداشته باشد که خسارت زیان‌دیده از نقض قرارداد را حمایت کند، مدار زندگی افراد جامعه هر لحظه در معرض انهدام است. مقصود آیه تضمین برای باز پس گرفتن و جلوگیری از سوء استفاده از حسن اعتماد افراد است. (ابراهیم بروجردی، تفسیرجامع، ج اول: 399)

وَأَيُّكُمُ بِبَيْنِكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَأَيُّكُمُ الْاِذَىٰ عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلَيَتَّقِ اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا (بقره-282) و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه

(و به شکرانه آن) که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او (نویسنده) بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نگاهد.

برابر آرای مفسران نتایج ذیل حاصل می‌شود:

1. در این آیه چند (فَاكْتُبْ) داریم. در یک آیه، پنج بار می‌فرماید "بنویسد". (هر نوع بدهی، هرچقدر که باشد، از هر که باشد) چون این از حقوق انسانی است نه از حقوق اسلامی.
2. دو نوع حقوق داریم. حقوق انسانی و حقوق اسلامی. پرداخت دین حق انسانی است. یعنی رد امانت حق انسانی است نه حق اسلامی^{۱۲}.
3. برای حفظ اعتماد و خوش بینی به همدیگر و آرامش روحی طرفین و جلوگیری از فراموشی، انکار و سوءظن، باید بدهی‌ها نوشته شود.
4. باید نویسنده شخص ثالثی باشد. وَ لِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ (شخص ثالث و بیطرف بنویسد).
5. کاتب باید اطلاعات حقوقی جامع باشد.
6. از فرمان نوشتن، معلوم می‌شود که اسناد تنظیم شده‌ای که همراه با گواهی عادل باشد، قابل استشهاد است.
7. از این آیه استفاده می‌شود که جامعه اسلامی باید یکدیگر را در حفظ حقوق حمایت کنند. زیرا هر معامله‌ای، نیاز به کاتب و چند شاهد دارد. (عمر بن محمد نسفی، تفسیر نسفی، ج اول: 95)

وثیقه و ضامین

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الْأُتْمِينَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (بقره- 283) و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید وثیقه‌ای بگیرید؛ و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. و شهادت را کتمان مکنید، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست.

برابر آرای مفسران نتایج ذیل حاصل می‌شود:

1. حتماً می‌بایست یک کاتب عادل بنویسد. عدالت کاتب تضمین کننده و وثیقه^{۱۳} لازم جهت عقد قرارداد است. دلیل تاکید آیه بر عدالت می‌تواند ناشی از اهمیت محکم‌کاری و اخذ وثیقه باشد.
2. در تنظیم اسناد دو شاهد اختیار شود. علت این است که اگر یک شاهد فراموش یا امتناع کرد شاهد دیگر حاضر شود.

3. تضمین لازم جهت اطمینان از بازپرداخت بموقع توسط مشتری به بانک می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.
4. دو شاهد بگیرید مؤمن باشند زیرا فرموده «رَجَالِكُمْ». کم یعنی از شما مؤمنین باشد.
5. ضامنین، صلاحیتدار و مورد تایید بانک و مشتری باشند.
6. وقتی به شاهد گفتند بیا و گواه باش، امتناع نکند.
7. عدم امتناع شاهدین و اینکه دوست و مورد تایید باشند، نشان دهنده این است که وثایق و تضمینات باید سهل الوصول است.
8. مردان، در گواه شدن و گواهی دادن بر زنان مقدم می‌باشند.
9. هر کدام از مردها به تنهایی می‌توانند شاهد باشند، ولی اگر شاهد یک مرد و دو زن بود، آن دو زن به اتفاق هم ادای شهادت کنند. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 1: 256)

لیاقت و صلاحیت عملی

فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (بقره-282)

پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، پس ولی او باید با (رعایت) عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که (به عدالت آنان) رضایت دارید (گواه بگیرید)، تا (اگر) یکی از آن دو (زن) فراموش کرد، (زن) دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند. و از نوشتن (بدهی) چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش (فرا رسد). این (نوشتن) شما، نزد خدا عادلانه‌تر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شک نشوید (به احتیاط) نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود (دست به دست) برگزار می‌کنید؛ در این صورت، بر شما

گاهی نیست که آن را ننویسد. و (در هر حال) هرگاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا (بدین گونه) به شما آموزش می‌دهد، و خدا به هر چیزی داناست.

برابر آرای مفسران نتایج ذیل حاصل می‌شود:

ضامن^{۱۴} باید به مفاد قرارداد آگاه بوده و تبعات حقوقی آن را بشناسد. از این مورد فهمیده می‌شود که از نظر حقوقی اقرار علیه خود انسان جایز است.

1. آن کسی که حق به گردنش است املاء کند. مشتری^{۱۵} می‌بایست به تمام مفاد قرارداد اشراف داشته و به تبعات حقوقی آن آگاه باشد. بدهکار هم تقوا داشته باشد و مال مردم را کم نگذارد.

2. در صورت احراز اینکه مشتری سابقه‌ای مثبت در بازپرداخت تسهیلات نداشته است و در صورت توانایی از بازپرداخت تسهیلات سر باز می‌زند، بانک می‌تواند در تصمیم خود در اعطای تسهیلات به او تجدید نظر کند.

3. اهل هر فن و حرفه‌ای مسئولیت ویژه دارد، کسی که قلم دارد باید برای مردم بنویسد.

4. بدهکار، هنگام املائی قرارداد باید خدا را در نظر بگیرد و چیزی را فروگذار نکند و تمام خصوصیات بدهی را بگوید.

5. وقتی از کاتب خواسته شد که بنویسد، امتناع نکند. اصل شفافیت^{۱۶} و افشاسازی^{۱۷} در این آیه مورد تاکید است. در تعامل میان بانک و مشتری همه ابعاد می‌بایست شفاف و روشن باشد در غیر این صورت معامله ممکن است غری^{۱۸} شود.

6. وقتی خدا به انسان علم داده او نیز باید علمش را در اختیار دیگران قرار دهد. (اگر سندی خواستند برایشان بنویسد^{۱۹}) اصل به اشتراک‌گذاری^{۲۰} دانش و اطلاعات مورد نظر آیه است.

7. کاتب باید از بدهکار بشنود تا بنویسد. چون طلبکار ممکن است به نفع خود سخن بگوید.

8. اگر بدهکاری که می‌خواهد املاء کند مجنون باشد، ضعیف باشد و نتوانست املاء کند، یا لال باشد، ولیش باید املاء کند. (ترجمه ی المیزان، ج 2: 667)

9. نقایص موجود در مشتری، در هنگام انعقاد قرارداد می‌بایست مورد توجه بانک قرار گیرد.

10. اگر فرد سفیه بود یا ضعیف بود ولی اش باید به جای او کارش را انجام دهد. به عبارتی پدر و پدرزرگ. در غیر اینصورت حاکم شرع. و او هم نباید سوء استفاده کند. یعنی ولی هم باید عادل باشد.

11. تدوین قانون باید به گونه‌ای باشد که حق ناتوان ضایع نشود. اگر بدهکار، سفیه یا ضعیف و ناتوان و یا گنگ و لال بود، سرپرست و ولی او متن قرارداد را بگوید و کاتب بنویسد.
12. ولی و قیم هم سوء نیت نداشته باشد و عادل باشد.
13. صلاحیت و اعتبار ضامن و وثیقه مورد توجه بانک قرار گیرد.

ضابطه مندی

1. خسته نشوید اگر بگویند بنویسید. چه چیز کوچک و چه چیز بزرگ.
2. هر رویه اداری که موجود است الزاماً کاغذ بازی محسوب نمی‌شود. برخی از رویه‌های لازم الاجرا است.
3. قانون برای همه یکسان است. چون می‌فرماید: (تَدَايْتُمْ) تداین از باب تفاعل است، یعنی هر دو مثل هم هستید. (قرائتی، تفسیر نور جلد 1)

تکریم

1. از کلمه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» معلوم می‌شود این آیه در مدینه نازل شده است. به دلیل خطاب آیه به ایمان آورندگان، این آیه اختصاص به عمومیت جامعه اسلامی داشته و می‌بایست در کل نظام اقتصادی، و توسط همگان رعایت شود. (ترجمه المیزان: ج 2: 668)
2. وقتی می‌خواهیم به کسی کاری بدهیم، برای اینکه انگیزه‌اش را تحریک کنیم از او تعریف می‌کنیم. اگر از کسی سؤالی کنیم و او را با «جناب استاد» مورد خطاب قرار دهیم برای او ایجاد انگیزه می‌شود تا پاسخ دهد. قرآن وقتی می‌خواهد تحریک کند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا». این باعث می‌شود که حرف بهتر در ذهن جای بگیرد. (ناصرمکارم شیرازی، تفسیر جوان، ج دوم: 306)
3. جوایز خوش حسابی مشتریان و اصولاً تمیز دادن آنها از مشتریان بد حساب به سبب ایجاد انگیزه در آنان، موضوع مهمی تلقی می‌شود.
4. قبل از دستور، انگیزه‌ها را تقویت کنیم.

5. بانک می‌بایست قبل از اعطای تسهیلات انگیزه‌های لازم جهت بازپرداخت را در مشتری تقویت کند. ارزیابی اعتباری خود می‌تواند عاملی برای این مهم باشد. اعلام نمره و رتبه اعتباری به مشتری عامل انگیزاننده خوبی برای بازپرداخت بموقع تسهیلات خواهد بود.

جامعیت

1. کلمه «دین»، هر نوع بدهی را شامل می‌شود. ای مؤمنین هر وقت به هم بدهکار شدید(هر نوع بدهی)، «إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ». هم مساله مجاز بودن قرض و وام روشن می‌شود و هم تعیین مدت برای وام‌ها. قابل توجه اینکه در آیه، کلمه دین به کار برده شده نه قرض، زیرا قرض تنها در مبادله دو چیز که مانند یکدیگرند به کار می‌رود، مثل اینکه چیزی را وام می‌گیرد که بعداً همانند آن را برگرداند ولی دین هر گونه بدهکاری را شامل می‌شود، خواه از طریق قرض گرفتن باشد یا معاملات دیگر مانند اجاره و صلح و خرید و فروش، که یکی از طرفین چیزی را به ذمه بگیرد، بنابر این آیه مورد بحث شامل عموم بدهی‌هایی می‌شود که در معاملات وجود دارد، مانند سلف و نسیه، در عین اینکه قرض را هم شامل می‌شود، و اینکه بعضی آن را مخصوص بیع سلف دانسته‌اند کاملاً بی دلیل است هر چند ممکن است شان نزول آن بیع سلف باشد. لذا در کلیه عقود منعقد بین بانک و مشتری لازم الاجراست.
2. خداوند تمام نیازهای مادی و معنوی شما را می‌داند و بر اساس آن، احکام و قوانین را برای شما بیان می‌کند.
3. بانک و مشتری می‌بایست آگاهی عمیق و گسترده در خصوص ابعاد مختلف قرارداد داشته باشند و به ابعاد حقوقی قرارداد اشراف داشته و حقوق یکدیگر را رعایت نمایند.

زمانبندی

1. مدت پرداخت باید مشخص باشد(إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى). زمانبندی در اسلام مسئله بسیار مهمی است. اینکه در زمان جاهلیت فرموده: بنویسید! زمانی که در کل مکه هیچ باسواد نبود، در کل جزیره ی العرب هم 17 باسواد وجود داشت. در آن زمان جاهلیت می‌فرماید: بنویس! (آن هم 5 بار). (ناصرمکارم شیرازی، تفسیر جوان، ج دوم: 306)
2. توجه به مدت زمان قرارداد و اینکه تسهیلات بلند مدت است یا کوتاه مدت.

منفعت و توجیه اقتصادی

- 1- کاتب و شاهد در امان هستند و نباید به خاطر حق نوشتن و حق گفتن مورد آزار و اذیت یکی از طرفین قرار گیرند.
 - 2- کاتب و شاهد حق ندارند سند را به گونه‌ای تنظیم کنند که به یکی از طرفین ضرری^{۲۱} وارد شود.
 - 3- بانک به عنوان حافظ سرمایه مردم و بیت‌المال می‌بایست به نحوی از ضرر مصونیت داشته و از بازپرداخت تسهیلات تا درصد بالایی مطمئن باشد.
 - 4- وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ. کاتب و شاهد نباید ضرر کنند. یعنی باید کلیه هزینه‌های مترتب بر کتابت و شهادت را به او پرداخت کرد. حکومت اسلامی باید جان او را بیمه کند. (ناصرمکارم شیرازی، تفسیر جوان، ج دوم: 306)
 - 5- اگر دقت در حفظ حقوق فردی ضروری است، حفظ بیت‌المال به مراتب ضروری‌تر است.^{۲۲} بنابر این خرج از این محل با دقت و سازوکار مناسبی می‌بایست صورت پذیرد.
وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (قصص-75) و از میان هر امتی گواهی بیرون می‌کشیم و می‌گوییم برهان خود را بیاورید پس بدانند که حق از آن خداست و آنچه برمی‌یافتند از دستشان می‌رود. (تفسیر قمی، ج 2: 143؛ نورالثقلین، ج 4: 138).
- برای اطمینان از منفعت و توجیه اقتصادی، ارائه طرح توجیهی توسط مشتری جهت ورود به فعالیت اقتصادی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

رفتار شایسته

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده-1) ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادهای خود وفا کنید.
- أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء-34) به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.
- وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مومنون-8) و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند.
- در این سه آیه به صراحت در خصوص عمل به عهد تاکید گردیده است.^{۲۳} (تفسیر نمونه ج 4: 240)

1- عقد به معنای گره زدن و بستن چیزی به چیز دیگر است به نحوی که به خودی خود از یکدیگر جدا نشوند و در امور محسوس و معنوی هر دو بکار می‌رود، در معاملات هم کلمه عقد استعمال می‌شود و عقد که همان عهد باشد، شامل همه پیمان‌های الهی و دینی که خدا از بندگانش اخذ نموده می‌گردد و نیز ارکان دین و اجزای آن. چون توحید و عقاید اخروی و نبوت و معاد و عقاید دیگر تشریحی و عبادی یا معاملات، چه به نحو تأسیس و ایجاد و چه به نحو امضائی و تأکیدی را شامل می‌شود.

2- عهد و وفای به آن از اموری است که انسان در طول حیاتش هرگز از آن‌ها بی‌نیاز نمی‌گردد و در این مسأله فرد و اجتماع یکسان می‌باشند و اگر قدرتمندان بواسطه قدرت خود عهد و پیمان را نقض کنند موجب ضایع شدن و نقض عدل اجتماعی می‌گردد و عدل رکن اساسی است که انسان را از بندگی و اسارت نجات می‌دهد و منطق دین حق می‌گوید که رعایت حقوق اجتماعی و عدالت در هر شرایطی واجب است، چون منافع اجتماع در گرو آنست. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 2: 615)

3- می‌بایست از رفتار اعتباری مشتری در گذشته، بررسی لازم به عمل آید. ^{۲۴} (از پیمان پرسش خواهد شد)

4- رفتار متعاقدین باید رفتار انسان صالح باشد و در هیچ زمانی از حدود الهی خارج نشوند. و خدا را بر اعمال خود ناظر بدانند. رسول اکرم ^{۲۵} (ص) فرمود: فروشنده و خریدار باید از پنج خصلت دوری گزینند و گرنه از خرید و فروش خودداری کنند: رباخواری، سوگند خوردن، نهان داشتن عیب‌ها (تدلیس) ^{۲۶}، ستایش کالا هنگام فروش، نکوهش کالا هنگام خرید. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 3: 239)

وفای به عهد

أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (بقره-40) به پیمانم وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم و تنها از من بترسید.

قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره-124) فرمود پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد. در این دو آیه شریفه خداوند می‌فرماید عهد من به ظالمین نخواهد رسید و به پیمان من وفادار باشید تا من نیز به پیمان شما وفادار باشم. بنابر این در این آیه عمل نکردن به پیمان، تقبیح

شده و امتیازی منفی محسوب می‌شود. بررسی رفتار اعتباری مشتری خوش حساب او را از مشتری بد حساب تمیز داده و اینکه آیا او توان و تمایل بازپرداخت تسهیلات را دارد یا خیر از موارد ضروری تلقی می‌گردد که می‌بایست مورد نظر قرار گیرد. (تفسیر جامع، ج 1: 254، 255)

بلوغ

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء-5) و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْعِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (نساء-6) و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید اموالشان را به آنان رد کنید و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند به اسراف و شتاب مخورید و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید خداوند حسابرسی را کافی است.

انسان نابالغ حق تصرف در اموال خود را ندارد. قرآن در این آیه، جواز تصرف یتیم را به تحقق رشد بعد از بلوغ موکول کرده، می‌فرماید: یتیمان را تا زمان بلوغ آزمایش کنید و اگر هنگام بلوغ، رشد آنان را مسلم یافتید، اموالشان را به آنان بدهید. برخی گفته‌اند: اگر بلوغ در جواز تصرف در اموال دخالتی نمی‌داشت، ذکر آن در آیه لغو می‌بود. بلوغ صرفاً در خصوص سن و سال مطرح نمی‌گردد. بلکه اصولاً کسی که سفیه باشد و کفایت و درایت استفاده از اموال و دارایی را نداشته باشد حق تصرف در اموال را نخواهد داشت. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 1: 375)

فقیهان با استناد به آیات 5 و 6 سوره نساء و 282 سوره بقره گفته‌اند سفیه، از تصرفات مالی ممنوع است. اما در اجیر شدن سفیه دو نظر است: برخی آن را به تصرفات مالی ملحق کرده و ممنوع می‌دانند و بعضی آن را به دست آوردن مال دانسته‌اند برخی ضمن تقویت نظر نخست می‌گویند: ممنوعیت سفیه، به سبب کمبود او است که نمی‌تواند نفع و ضرر خویش را در معاملات تشخیص دهد. بنابراین، تفاوتی میان تصرفات مالی و غیرمالی او نیست. افزون بر این که روایات مربوط به منع تصرفات سفیه اطلاق دارد و هر دو مورد را در بر گیرد. کلمه رشد در کتب لغت بیشتر به معنای هدایت، راه راست یافتن، صلاح و خیر و کمال ترجمه شده است در قرآن مجید این کلمه گاهی در مقابل کلمه "غی" به معنای گمراه شدن و گاهی در مقابل کلمه "ضر" به معنای خسران و گاهی در مقابل کلمه "شر" به معنای بدی و ناشایستگی آمده است. در صحیفه سجادیه نیز کلمه "رشاد" در مقابل کلمه "ضلال" آمده است (و قبل الضلال بالرشاد). اما با توجه به آیاتی که در آنها کلمه رشد یا مشتقات آن بکار رفته چنین استنباط می‌شود که رشد از دیدگاه قرآن عبارت از یک نوع قدرت تشخیص مسئولیت آفرین و تعهدآور است قرآن مجید در مورد یتیمان می‌فرماید که وقتی آنان را صاحب رشد دیدید، اموالشان را به آنها بدهید و جالب اینجاست که این مسئله را بعد از بلوغ جنسی آنان یعنی رسیدنشان به مرحله توانائی نکاح بیان می‌کند یعنی قرآن می‌خواهد بفهماند که برخلاف استنباط غلط و رایج بعضی‌ها که می‌گویند رشد همان بلوغ جنسی است، رشد عبارت است از همین قدرت تشخیص و تمیز مسئولیت آفرین در بهره‌ی برداری از امکانات و استعدادها. یعنی مرحله‌ای از کمال عقلی. اگر رشد و بلوغ جنسی به یک مفهوم بودند بیان آن دو در کنار یکدیگر در قرآن مجید نه تنها غیر ضروری بلکه مغایر با بلاغت و فصاحت لسان قرآن کریم بود. با چنین برداشتی است که آیه دیگر قرآن مجید که "رشد" را در مقابل "ضر" قرار می‌دهد تفسیر می‌شود زیرا انسان وقتی از سرمایه‌های خود ضرر می‌بیند که قدرت تشخیص اهمیت و بهای آن سرمایه‌ها را نداشته باشد. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 1: 375)

عقل

برخی، از آیات 6 و 5 سوره نساء و آیه 282 سوره بقره که تصرفات مالی سفیه را ممنوع کرده، استفاده کرده‌اند که معاملات مجنون، به طریق اولی باطل است. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 1: 375)

حریت

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا مَّثَلًا مِّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ (نحل-75) خدا مثلی می‌زند بنده‌ای است که هیچ کاری از او بر نمی‌آید آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده‌ایم و او از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند.

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (روم-28) [خداوند] برای شما از خودتان مثلی زده است آیا در آنچه به شما روزی داده‌ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از آنها بیم داشته باشید این گونه آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند به تفصیل بیان می‌کنیم. عبد بدون اجازه مولا نمی‌تواند خود یا اموالش یا اموال مولا را اجاره دهد. برای این شرط، به آیات 75 سوره نحل و 28 سوره روم استدلال شده است. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 2: 586)

اختیار و رضایت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء-29) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال هم‌دیگر را به ناروا نخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است. (ترجمه میزان، ج 4: 499) عقد باید با رضایت و اختیار متعاقدین صورت پذیرد.

مباح بودن منفعت

منفعت در عقد باید حلال باشد و گرنه طبق آیه 29 سوره نساء «اکل مال به باطل» خواهد بود. ضمن این که گرفتن منفعت حرام مصداق تعاون بر گناه است که آیه 2 سوره مائده از آن نهی فرموده است.

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 1: 488)

پیرو این آیه سودآوری حلال بوده^{۲۸} و توجه به ماهیت کسب و کار مورد نظر است.

مشخص بودن عمل و مدت

برای جلوگیری از ضرر متعاقدان، مدت و نوع عمل باید مشخص باشد. چنان‌که در قرارداد شعیب و موسی، مدت اجاره (8 سال) مشخص شده است. (سوره قصص آیات 27 و 28)

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَةَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُلْشِقَ عَلَيْكَ سِتْرًا إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ. [شعیب] گفت من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می‌کنی] به نکاح تو در آورم به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است و نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم و مرا ان شاء الله از درستکاران خواهی یافت.

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ. [موسی] گفت این [قرار داد] میان من و تو باشد که هر یک از دو مدت را به انجام رسانیدم بر من تعدی [روا] نباشد و خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است.

سبب ذکر نشدن نوع کار، آشکار بودن آن نزد آن دو بوده است چنان‌که برخی گفته‌اند شعیب کاری جز چوپانی گوسفندان نداشته است. بنابراین، همین قرینه خارجی از ذکر آن در متن قرارداد کفایت می‌کند. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 3: 459)

قدرت و امانت

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (قصص-26) یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 3: 458)

از ویژگی‌های متعادلین (به ویژه بدهکار) خوب، داشتن توان انجام کار و امانت‌داری است. لذا در انتخاب مشتری، بهتر است بانک فردی را برگزیند که این دو ویژگی را داشته باشد. چنان‌که این دو ویژگی در انتخاب موسی (ع) به دست شعیب مورد توجه بوده است. برخی از این آیه استفاده کرده‌اند که حکومت اسلامی در استخدام افراد و مدیران که اجیران حکومت هستند، باید افرادی را برگزیند که هم توانایی و تخصص آن کار را داشته باشند و هم امانت‌دار و دل‌سوز بیت‌المال مسلمانان باشند. در حدیثی از رسول اکرم (ص) است که فرمودند: کسی که در کاری خبیره نباشد بیش از نفع، زیان دیده و زیان می‌رساند.^{۲۹} در حدیثی از امام علی (ع) است که پنج چیز را علت پنج چیز معرفی کرده‌اند که یکی از آنها تجارت و کسب بدون آگاهی از احکام فقهی آن است و موجب ربا خواری و منتهی به آن می‌شود^{۳۰} و ربا خوار حتماً در دوزخ خواهد بود.

آگاهی و دانش

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر-9) [آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می‌کند [و] از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمندانند که پند پذیرند. آیا عالمان و جاهلان یکسانند؟ در این آیه از روش مقایسه که روش شناخته شده قرآن برای تفهیم مسائل مختلف است، استفاده کرده است. در دنباله آیه پیامبر را مخاطب ساخته می‌فرماید: «بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! این جمله جزء شعارهای اساسی اسلام است که عظمت مقام علم و عالمان را در برابر جاهلان روشن می‌سازد، و معلوم می‌شود این دو گروه نه در پیشگاه خدا یکسانند، و نه در نظر خلق آگاه، نه در دنیا در یک صف قرار دارند، و نه در آخرت، نه در ظاهر یکسانند و نه در باطن. (برگزیده تفسیر نمونه، ج 4: 214). در این آیات به صراحت اشاره گردیده است که بین کسی که می‌داند و کسی که نمی‌داند تفاوت وجود دارد.

آینده‌نگری

آینده‌نگری در تعالیم اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. قرآن مجید به پیروان خود توصیه می‌کند که عاقبت اندیش باشند و فریفته منافع زود گذر دنیا نشوند، بلکه آخرت را در نظر داشته باشند، و به گونه‌ای عمل کنند که در آخرت سعادت‌مند گردند.^{۳۱} امام علی(ع) نیز در نهج البلاغه در موارد بسیاری از جمله در خطبه 113 به این موضوع اشاره کرده است. آن حضرت در سخن دیگری آینده‌نگری را از ویژگی‌های افراد با ایمان معرفی کرده و می‌فرماید: المؤمنون هم الذین عرفوا ما أمامهم. مؤمنان کسانی هستند که آینده خویش را می‌شناسند^{۳۲} و در کلامی دیگر فرمودند: من تورط فی الأمور بغير نظر فی العواقب فقد تعرض للنوائب. کسی که بدون تدبر و پایان اندیشی در کارها وارد شود، خود را در معرض بلاها و مصیبت‌ها افکنده است.^{۳۳} ایشان ضمن وصیت به فرزندش محمد حنیفه می‌فرماید: کسی که بدون تدبر و پایان اندیشی در کارها وارد شود، خود را در معرض بلا و مصیبت‌های سخت قرار داده است و پایان اندیشی پیش از انجام کار تو را از پشیمانی مصون می‌دارد.^{۳۴} حسن التدبیر ینمی‌قلیل المال و سوءالتدبیر یفنی کثیره. تدبیر درست، مال کم را می‌افزاید و تدبیر نادرست، مال زیاد را کم می‌کند. و نیز فرمود: آفة المعاش سوءالتدبیر. عدم عاقبت اندیشی، آفت زندگی است. و در سخنی دیگر فرمود: سوءالتدبیر مفتاح الفقر. تدبیر غلط کلید فقر است.^{۳۵} پیامبر اکرم(ص) تأکید فراوان داشت که پیروانش در آغاز هر کاری فرجام آن را بررسی کنند. ایشان در پاسخ شخصی فرمودند: به تو سفارش می‌کنم هر وقت تصمیم بر کاری گرفتی، به پایان آن بیندیش؛ اگر آن را درست و مطابق مصلحت دیدی انجام بده و اگر نادرست و گم راه کننده بود از انجام دادن آن خودداری کن. امام صادق(ع) نقل می‌کنند که مردی به حضور پیغمبر اکرم(ص) شرفیاب شد و درخواست کرد که به او سفارشی کند. حضرت پرسید: آیا سفارش پذیر هستی که به تو سفارش کنم؟ آن مرد جواب داد: آری. آنگاه پیامبر(ص) فرمود: فأنی أوصیک اذا أنت هممت بامر فتدبر عاقبته، فان یک رشدأ فامضه و ان غیأ فانتبه عنه. به تو سفارش می‌کنم هر وقت تصمیم بر کاری گرفتی، به پایان آن بیندیش؛ اگر آن را درست و مطابق مصلحت دیدی انجام بده و اگر نادرست و گمراه کننده بود از انجام دادن آن خودداری کن. واژه تدبیر که زیاد در روایات به آن تأکید شده است، به معنای این است که انسان ببیند پایان کار و حرکتش چه نتیجه‌ای دارد و به کجا منتهی می‌شود.^{۳۶}

5- یافته‌های تحقیق

خلاصه و اهم موارد برگرفته از آیات و روایات در جدول ذیل با عنوان "مدل قرآن" ارائه گردیده است.

معیار مستخرج از آیات و روایات	توضیح
منفعت و سودآوری	بررسی سودآوری و توجیه اقتصادی طرح
دریافت وثیقه	اخذ وثیقه/وثایق محکم و سهل الوصول
لیاقت و صلاحیت عملی	بررسی کفایت، صلاحیت و درایت مشتری در پیشه مرتبط با عقد
قرارداد	بررسی ابعاد مختلف قرارداد از لحاظ حقوقی، مالی و...
رفتار اعتباری	بررسی رفتار اعتباری و امانتداری مشتری
آگاهی و دانش	سنجش میزان دانش مشتری مرتبط با پیشه مربوطه
نمای آینده	تحلیل آینده کسب و کار و چشم انداز بازار

6- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حفظ سرمایه بانک که خود متشکل از سرمایه‌های مردم می‌باشد عقلاً و شرعاً واجب است. مدیریت ریسک اعتباری از اجزای اصلی مدیریت ریسک در نظام بانکداری است که به نوعی تضمین‌گر حیات بانک است. اعتبارسنجی مشتریان قبل از اعطای تسهیلات از عوامل اصلی تقلیل ریسک اعتباری و ریسک نکول در بازپرداخت تسهیلات توسط مشتری است. اینکه در اعتبارسنجی مشتریان چه فاکتورها و شاخص‌هایی را مورد توجه قرار دهیم خود موضوع مهمی تلقی می‌گردد. در این مقاله سعی گردید با استفاده از مبادی فقهی مستخرج از آیات و روایات به بررسی ضرورت اعتبارسنجی مشتریان بانک در هنگام اعطای تسهیلات پرداخته شده و شاخص‌های مورد نظر نیز ارائه گردد. در نهایت الگویی با عنوان "مدل قرآن"، جهت اعتبارسنجی مشتریان ارائه شده است.

7- منابع و مأخذ

1. ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سور آبادی، تهران، 1380، جلد اول.
2. اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی.

3. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص) با ترجمه فارسی، چاپ هیجدهم، سال 1363.
4. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، 1366 ش، غررالحکم و درر الکلم، قم انتشارات دفتر تبلیغات.
5. حبیب احمد، طریق الله خان، 1387 ش، مدیریت ریسک، بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی، ترجمه سید محمد مهدی موسوی بیوکی، تهران انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار، اول، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
6. حر عاملی، محمد بن حسن، 1409 ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
7. حسینی سیستانی، سید علی، 1390 ش، رساله توضیح المسائل، تهران، انتشارات گلی.
8. خاکی، غلامرضا، 1384 ش، شیوه نامه تدوین طرح و نقد تحقیق، تهران، انتشارات بازتاب.
9. دشتی، محمد، 1386 ش، ترجمه نهج البلاغه، قم، هادی مجد، اول.
10. سویلم، سامی ابراهیم، 1386 ش، پوشش ریسک در مالی اسلامی، ترجمه محمد مهدی عسکری، محمد علیزاده اصل و مهدی حاجی رستملو، تهران انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار، اول.
11. سی آرتور ویلیامز، جی آر ریچارد ام هینز، مدیریت ریسک، مترجمان: داور ونوس، حجت اله گودرزی، نشر نگاه دانش، 1382.
12. صدر، سید محمد باقر، 1657 ش، اقتصاد ما، بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی، دوم.
13. عقیلی کرمانی، پرویز (1381) مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا. مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی. تهران، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
14. قرائتی، محسن، 1383 ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم.
15. قرآن کریم
16. کدخدایی، حسین (1379). پدیده ریسک در بانکداری اسلامی. مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی. تهران، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
17. کلینی، محمد بن یعقوب، 1365 ش، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
18. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ بیروت، مؤسسه الوفاء.

19. مکارم شیرازی، ناصر، 1374ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول.

20. Basel Committee on Banking Supervision (2002), Consulative Documents of the Basel Committee on Banking Supervision The Basel New Capital Accord
21. Basel III , A Risk Management Perspective May 5 , 2010
22. Duffie, Darrell & J. Stephan, Schaefer, 2003, "Credit Risk; Pricing, Measurement and Management",Princeton University Press
23. jorion. p. 2003, Financial Risk Manager Handbook,John Wiley & sons.inc
24. Khan, T & Ahmed, H. (2001). Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry. Jaddah:IRTI.
25. Obaidullah, M. (2002). Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency. International Journal of Islamic Financial Services, 4(3).

یادداشت

1. Credit Risk
2. Credit rating
3. Credit risk management
4. Credit ranking
5. Credit scoring

6. بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، غلامرضا مصباحی

مقدم و محمد صفری.

7. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده-90) ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید.

8. وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم-39) و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

9. قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف-188) بگو جز آنچه خدا بخواهد برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم و اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید من جز بیم‌دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می‌آورند نیستم.

10. امام باقر(ع): با خریدار چانه بزن. زیرا اگر چه زیاد هم پول بدهد، چانه زدن موجب آرامش و رضایت خاطر بیشتری برایت می‌شود. زیان در خرید و فروش کاری پسندیده یا سزاوار پاداش نیست. ابوحنیفه به امام صادق(ع) گفت: دیروز مردم از آن همه چانه زدن شما بر سر خرید شتران تعجب کردند. حضرت فرمود: خدا راضی نیست که زیان مالی ببینیم. (میزان الحکمه)

11. برگرفته از تفاسیر نمونه، المیزان، نور، منهج الصادقین، امام فخررازی، کشاف

12. امام صادق(ع) فرمود اگر شمر خنجری را که با آن امام حسین(ع) را شهید کرد، پیش من به امانت بگذارد، و بعد از من بخواهد به او خواهم داد

13. رهن آن است که انسان مالی را نزد دیگری گرو گذارد که اگر آن طلب یا مال را پرداخت نتواند عوض آن را از آن مال بدست آورد. در حقیقت رهن نوعی وثیقه است. آنچه فعلاً به عنوان رهن در میان مردم معروف است در واقع رهن نیست بلکه پولی را به صاحب خانه

قرض می دهند و در مقابل از سکنای خانه استفاده می کنند که این کار اگر بدون اجازه باشد ربا و حرام است (حسینی سیستانی، سید علی، 1390 ش، رساله توضیح المسائل، تهران، انتشارات گلی)

14. ضامن کسی است که متعهد می شود در صورت عدم پرداخت بدهکار دین او را ادا نماید. ضامن و طلبکار باید بالغ، عاقل و مختار باشند و سفیه نباشند و طلبکار نباید مفلس باشد.
15. کسانی که از تصرف در مال خود ممنوعند عبارتند از: نابالغ، دیوانه، سفیه، یعنی کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند بدون اجازه ولی نمی تواند در مال خود تصرف نماید، مفلس، یعنی کسی که از جهت مطالبه طلبکاران از طرف حاکم شرع از تصرف در مال خود ممنوع است و بدون اجازه طلبکاران نمی تواند در آن تصرف کند.

16. Transparency

17. Disclosure

18. بیع غری بیعی است که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد

19. حضرت علی(ع) فرمود زکات علم انتشار آن است.

20. Sharin.

21. لا ضررَ و لا ضرارَ فی الإسلام (قاعده نفی ضرر). نفی ضرر و ضرار بصورت کلی امری عقلی است به این معنا که عقل با قطع نظر از وجود آیات و روایات به استقلال، حکم به نفی ضرر و ضرار می دهد. بانک نیز به عنوان یکی از ارکان مهم اقتصادی کشور و بیت المال مسلمین از این قاعده مستثنی نیست..

22. امام صادق(علیه السلام): در همه کارهایی که برایت پیش می آید محتاط باش (تحف العقول 37، 489). بانک به نوعی بیت المال مسلمین است پس بذل و بخشش آن باید با حساب و کتاب صورت گیرد.

23. من کان یومن بالله من لم یرع عهوده و دمه. آنکس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده ای که می دهد وفا کند. (رسول اکرم(ص) اصول کافی/ج ۲/ص ۳۶۴)

24. لا تعتمد علی موده من لا یوفی بعهده. بردوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی کند اعتماد نکن (حضرت علی علیه السلام/ غرر الحکم/ص ۳۲۴)

25. مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى فَلْيُجْتَنَّبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَ الْأَفْلَا يَبِيعَنَّ وَ لَا يَشْتَرَيْنَّ : الرِّبَا، وَ الْحَلْفَ وَ كِتْمَانَ الْعَيْبِ وَ الْحَمْلَةَ إِذَا بَاعَ وَ الدَّمَّ إِذَا اشْتَرَى. (بحارالانوار، ج 103، ص 95)
26. بیان عیوب در هنگام معامله مورد تاکید است (تدلیس به معنی ارائه شخص و یا چیزی غیر آن وضع و صفتی که در واقع هست به قصد ترغیب مشتری و یا برانگیختن شخصی برای ازدواج با وی)
27. پیامبر اکرم (ص): تجربه پیر را بیشتر از جسارت جوان دوست دارم و برکت با پیران است. (جامع الأخبار، ص 242، ح 617)
28. وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا (بقره-275) - خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است.
29. وسائل الشیعه، ج 11، ص 223..
30. مستدرک الوسائل، ج 2، ص 380.
31. سوره اسراء آیه 18؛ سوره قیامت آیه 20؛ سوره انسان آیه 27.
32. بحارالانوار، ج 78، ص 25.
33. مستدرک الوسائل، ج 2، ص 380
34. وسائل الشیعه، ج 11، ص 223.
35. شرح غررالحکم و دررالکلم، ج 3، ص 387.
36. سفینه البحار، ج 1، ص 439.

